

## والدین معلول، فرزندان سالم

بیش از چهار میلیون شهروند معلول در کشور ما زندگی می‌کنند که بالغ بر 800 هزار نفر از آنان، معلول حسی (نابینا و ناشنوا) هستند.



فرزندان افراد نابینا و ناشنوا در صورت نبود مشاوره‌های علمی، مستعد افت روحی و تحصیلی هستند

والدین معلول، فرزندان سالم

جام جم آنلاین: بیش از چهار میلیون شهروند معلول در کشور ما زندگی می‌کنند که بالغ بر 800 هزار نفر از آنان، معلول حسی (نابینا و ناشنوا) هستند.

در حالی که دولت موظف است معلولان حسی را در زمینه ایجاد اشتغال، تامین مسکن و... یاری کند، اما بسیاری از این معلولان از امکانات برابری با سایر شهروندان جامعه برخوردار نیستند.

اما با وجود انبوه مشکلاتی که بر سر راه این گروه از توان یابان قرار دارد، بسیاری از آنان توانسته‌اند بر موانع زندگی خود غلبه کنند و حتی مسئولیت یک زندگی مشترک را به عهده بگیرند.

جدای از مشکلات فراروی این گروه از معلولان، فرزندان آنها نیز از تبعات معلولیت والدین خود متأثر می‌شوند و خواه‌ناخواه تحت تاثیر معلولیت پدر و مادر خود قرار می‌گیرند؛ البته تاثیرپذیری فرزندان از معلولیت والدین به معنی تاثیرپذیری منفی نیست، بلکه منظور این است که نوع تربیت و نحوه پرورش این گروه از فرزندان به طور طبیعی با دنیای معلولیت والدینشان گره می‌خورد.

به هر طریقی با کودکان ارتباط بگیرید

ارتباط‌گیری والدین با فرزندان، گام نخست در تربیت فرزند محسوب می‌شود، زیرا در صورتی که والدین نتوانند با کودکشان ارتباط برقرار کنند، فرزند از طریق کانال‌های دیگری بجز والدینش، مسیر تربیت و هنجارپذیری را طی می‌کند.

ارتباط‌گیری والدین با فرزندان نیز به گونه‌های مختلفی همچون ارتباط‌های کلامی، عاطفی، رفتاری و... تقسیم می‌شود که هر والدی تحت شرایط مختلف از این روش‌ها بهره می‌گیرد، اما بسیاری از افراد دارای معلولیت حسی به دلیل شرایط جسمی که دارند، معمولاً در برقراری ارتباط با فرزندان خود دچار مشکل هستند.

برای مثال، شاید یک مادر ناشنوا نتواند برای کودکش دیکنه بگوید یا این که یک پدر نابینا بسختی بتواند در برخی دروس مثل طراحی، ریاضی و... به فرزندش کمک کند، اما سمیرا معتمدزاده، روان‌شناس کودک و نوجوان به [#171جام‌جم&raquo](#) می‌گوید: پدر و مادرهای معلول می‌توانند از روش‌های مختلفی برای ارتباط با کودکشان استفاده کنند و هیچ پدر و مادری نباید نابینایی و ناشنوایی‌اش را آنقدر بزرگ کند که دیگر نتواند با کودکش ارتباط بگیرد.

وی می‌افزاید: اولین قدم این است که پدر و مادرهای دارای معلولیت، بدون کتمان حقیقت و با چشم باز بپذیرند که معلول هستند و احتمالاً برای انجام برخی امورات تربیتی کودکشان که نیاز به فعالیت جسمی دارد با مشکل مواجه می‌شوند و در گام دوم نیز این گروه از والدین باید از توصیه‌های مشاوران مجرب در این حوزه استفاده کنند.

این روان‌شناس با بیان این که معلولیت تنها یک محدودیت جسمی است و نباید به مانعی برای بچه‌دار شدن والدین معلول تبدیل شود، تاکید می‌کند: حس شنوایی و بینایی، تنها دو حس از حواس انسان است که در صورت تخریب آنها، باز هم والدین معلول باید با سایر حواس خود تلاش کنند به هر نحوی شده با کودکانشان ارتباط بگیرند.

دنیای معلولیت را برای کودکان توضیح دهید

معتمدزاده بر این باور است که والدین معلول باید دنیای معلولیت را برای کودکانشان به طور دقیق و با اشاره به جزئیات کامل شرح دهند و در این باره توضیح می‌دهد: بسیاری از والدین معلول به دلیل این که خودشان با دنیای معلولیت آشنایی کامل دارند، گمان می‌کنند همه اطرافیان، اقوام و حتی فرزندانشان هم باید درباره مختصات دنیای معلولیت آگاهی کامل داشته باشند؛ اما می‌بینیم در دنیای امروزی، چنین آشنایی عمیقی با دنیای معلولیت وجود ندارد و به همین دلیل الزامی است والدین معلول، ویژگی‌های افراد دارای معلولیت را به طور کامل به فرزندانشان شرح دهند.

وي تاكيد مي‌كند: آگاهي دادن به فرزندان در خصوص ويژگي‌هاي معلوليت، اثرات بسيار مثبتي روي كودكان خواهد داشت و باعث مي‌شود فرزندان با دنياي حقيقي والدين معلول خود بيشتتر آشنا شوند؛ از جمله مهم‌ترين فوايد اين كار، نزديكي بيشتتر والدين با فرزندان است و همان طور هم كه مي‌دانيم، نزديكي و صميميت كودك و والد به يكديگر، يك فاكتر اساسي در تربيت كودك محسوب مي‌شود.

نكته: حس شنوايي و بينايي، تنها دو حس از حواس انسان است كه در صورت تخريب آنها، باز هم والدين معلول بايد با ساير حواس خود تلاش كنند به هر نحوي شده با كودكانشان ارتباط بگيرند  
اين كارشناس با اشاره به نقش حساس ساير نهادهاي فرهنگي نيز عنوان مي‌كند: درست است كه در گام نخست، تشریح دنياي معلوليت از وظايف اصلي والدين معلول است، اما اين باعث نمي‌شود ساير نهادهاي فرهنگساز و رسانه‌ها به وظيفه اطلاع‌رساني خود در اين زمينه عمل نكنند. در واقع اين نهادها موظف هستند با كمك والدين معلول، در راستاي آشنايي صحيح و علمي كودكان با ويژگي‌هاي زندگي افراد داراي معلوليت گام بردارند.

### تعليم زبان معلولان حسي به كودكان

افراد نابينا و ناشنوا براي ارتباط‌گيري با ساير شهروندان، از زبان‌هاي ارتباطي مخصوص خود استفاده مي‌كنند. زبان اشاره و خط بريل از جمله اين زبان‌هاي ارتباطي است كه به ترتيب براي ناشنويان و نابينايان استفاده مي‌شود.

اگرچه در ظاهر، آموزش اين زبان‌هاي ويژه براي كودكان خانواده‌هاي معلول الزامي نيست، اما معتمدزاده معتقد است: برخلاف تصوري كه بسياري از افراد دارند، اتفاقاً آموزش زبان معلولان حسي براي كودكان آنها بسيار ضروري و واجب است؛ آنقدر واجب كه حتي من معتقدم يك مادر ناشنوا بايد در همان سنين ابتدائي زندگي كودكش، زبان اشاره را به فرزندش آموزش دهد.

وي اظهار مي‌كند: فايده چنين كاري اين است كه والدين و فرزندان، دغدغه و حرف‌هاي همدیگر را بهتر مي‌فهمند، اما اگر در اين كار غفلت شود، شرايطي پيش مي‌آيد كه والدين معلول و كودكانشان در دو دنياي متفاوت با هم زندگي خواهند كرد.

معتمدزاده در خصوص نحوه تدريس اين زبان‌ها به كودكان نيز مي‌گويد: والدين معلول بايد آگاه باشند كه تعليم اين زبان‌هاي خاص به كودكان، تنها در مرحله ابتدائي كار كمی دشوار است، اما نبايد فراموش كنيم كودكان در مرحله زبان آموزي، هوش بسيار بالايي براي آموختن چند زبان مختلف دارند. يعني والدين مي‌توانند با كمك گرفتن از راهنمايي‌هاي مشاوران، شرايطي ايجاد كنند كه فرزندشان براحتي با زبان معلولان حسي ارتباط برقرار كند.

### خودتان را ضعيف نشان ندهيد

نبايد از ياد برد كه قدرت انسان تنها به توانايي‌هاي دیداري و شنيداري آنها محدود نمي‌شود و در واقع اگر پدر و مادري به دليل معلوليت‌هاي فزيكي، توانايي انجام برخي فعاليت‌هاي بدني را ندارد، به هيچ وجه به اين معني نيست كه اين گروه از والدين، توانايي تربيت صحيح فرزندش را هم ندارد.

معتمدزاده توضيح مي‌دهد: بسيار حياتي است كه والدين معلول در ارتباط با كودكانشان، از خود ضعف و سستي نشان ندهند؛ زيرا براي كودك خيلي مهم است كه پدر و مادرش انسان‌هاي قوي باشند كه بتوانند از آنها الگوبرداري كنند.

اين روان‌شناس با اشاره به نقش حساس والدين معلول در تحكيم بنیان خانواده مي‌گويد: پدر و مادر معلول بايد در نهاد خانواده، اقتدار و شأن لازم را داشته باشند؛ البته اقتدار و مديريت يك امر كاملاً روعي و رواني است، اما اگر شرايط جسمي والدين باعث شود آنها از اقتدار روعي خودشان هم کوتاه بيايند، آنگاه معلوليت والدين موجب به هم ريختگي نهاد خانواده خواهد شد.

وي اظهار مي‌كند: اگر والدين معلول از وضعيت جسمي خود مدام گلايه كنند و در واقع يك شخصيت ضعيف و قابل ترحم از خود براي كودكشان به تصوير بكشند، در آن صورت خيلي سخت است كه آن كودك بتواند با والدينش ارتباط خوبي برقرار كند و احتمالاً همين موضوع موجب مي‌شود كودك به جاي الگوبرداري از رفتارهاي پدر و مادرش، از رفتارهاي افراد و گروه‌هاي ديگري الگوبرداري كند.

امين جلالوند / گروه جامعه